وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ دوم | چهارشنبه ۱۲ حمل ۱۳۸۳ | ۱۰ صفرالمظفر ۱۴۲۵ - | 31 March 2004

سرمقاله

چرا انتخابات به عقب افتاد؟

ص۲

سیکو لاریزم راهی به سوی قهقرا

ص۳

تأخیر انتخابات، انگیزهٔ سیاسی دارد



حاجی محمد محقق:

کرزی باید حکومت را در آغاز تابستان به شخص بی طرفی تحویل بدهد!



خانم مسعوده جلال:

به تعویق افتادن انتخابات بهانه یی برای ادامهٔ قدرت است

طبق صراحت سازشنامهٔ بن که پس از سقوط طالبان به امضا رسید، دوسال پس از حکومت مؤقت و دورهٔ انتقالی در افغانستان انتخابات برای تعیین زعامت کشور برگزار می گردد.

سازشنامهٔ بن در بسیاری موارد در افغانستان عملی شد هرچند در مورد چندوچون اجرای آن ایراداتی وجود دارد ولی با انهم حرف در لفافهٔ کاغذ باقی نماند.

اوایل زمستان سال گذشته لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی افغانستان تدویر یافت و در آن قانون اساسی جدید افغانستان تصویب شد.

حالا افغانستان کشوری است که پس از سال ها بی قانونی صاحب قانون مدونی شده است وسازمان ملل متحد به عنوان یکی از طرف های ضمانت کننده به کمک جامعهٔ جهانی در راه آماده سازی زمینهٔ انتخابات سراسری در افغانستان تلاش می کند.

به مبنای همان سازشنامهٔ بن این انتخابات قرار بود در اوایل تابستان امسال برگزار گردد به این منظور دولت افغانستان وآن سازمان از مدت تقریباً ص۶

توسط جمعی انبوه از مردم در کابل
بر جنازهٔ شیخ احمدیاسین نماز غائبانه ادا شد



به دنبال شهادت جان سوز شیخ احمدیاسین رهبر معنوی فلسطینیان. گردهمایی باشکوهی به منظور محکومیت اقدام بزدلانه وتروریستی رژیم اسرائیل علیه رهبر حرکت مقاومت اسلامی فلسطین به روز جمعهٔ گذشته در پارک بهارستان کابل به اشتراک بیش از پنجصد نفر برگزار شد، واشتراک کنندگان باسردادن شعارها واصدار قطعنامه یی شهادت مظلومانهٔ شیخ احمدیاسین توسط اسرائیل را محکوم کردند وبرای خوشنودی روان پاک وی جنازهٔ غایبانه خواندند.

قرار یک گزارش دیگر محفل مشابهی در لیلیهٔ پوهنتون کابل نیز در شرف برپایی بود که ازجانب نیروهای امنیتی جلوگیری شد. وچندتن از دانشجویان به اتهام سازماندهی این محفل بازداشت شدند! این در حالی است که قانون مظاهرات ظاهراً از توشیح رئیس دولت برآمده و دولت آقای کرزی نیز همواره شعار دموکراسی وآزادی سرمی دهد، ومدعیان به اصطلاح دموکراسی برای نهادینه کردن آزادی های فردی واجتماعی در افغانستان به زعم خودشان در حال مبارزه اند. اما نمی دانیم که دولت آقای کرزی به کدام دلیل وبهانه یی دست به توقیف وبازداشت دانشجویان مسلمانی می زند که مظاهره کردن واشتراک نمودن در گردهمآیی هایی همچون محفل فاتحه خوانی شیخ احمدیاسین از جملهٔ حقوق طبیعی واساسی آنان است.

به باور ما این اقدام دولت برخلاف قانون ومسؤولیت های وجدانی یک جامعهٔ قانون مدار صورت گرفته است ومأموران امنیتی باالین برخورد خویش حق آزادی مردم را سلب کرده اند.

از بن تا برلین

ص۲

تظاهراتی بزرگ در پنجشیر
درحمایت از اسماعیل خان صورت گرفت



تعدادکثیری از مردم ولایت پروان به شمول علما، مجاهدان، متنفذان، دانشمندان واهالی برسر قبراحمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور اجتماع نمودند و همبستگی وحمایت شان را بامردم هرات واسماعیل خان والی آن ولایت اعلام داشتند.

اجتماع کنندگان که تعدادشان به سخن شاهدی به بیشتر از هزار نفر می رسید، با ابراز احساسات ترور میرویس صادق وزیر هوانوردی را تقبیح و از اسماعیل خان قدردانی نمودند.

درضمن این اجتماع قطعنامه یی صادر شد که در آن سوء قصد برجان اسماعیل خان تقبیح شد وعمل تروریستی علیه میرویس صادق وهمراهان وی یک اقدام حساب شده وتوطئه آمیز به حساب آمده است وتقاضا شده است که عاملان آن به چنگ قانون سپرده شوند.

در قطعنامه گفته شده است: توطئه در هرات، ریشه در گرایش های قوم گرایانه وتفرقه افگنانهٔ کسانی دارد که در رده های بالایی دولت صاحب صلاحیتند وخود را گردانندگان وایدوئولوژی سازحاکمیت جدید می خوانند.

در قطعنامه تقاضا به عمل آمده است که جامعهٔ جهانی و دولت، جایگاه مجاهدین را در نظربگیرند واز کارنامه های آنان در هرات تقدیر به عمل بیاورند ونیز درخواست شده است وحدت ملی برپایهٔ ارزش های جهاد ص۶

چالش های جدید در برابر تطبیق قانون اساسی

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

تطبیق قانون اساسی باچالش هایی جدید مواجه است، شاید تدوین قانون اساسی آن قدر مهم ومشکل نباشد که تطبیق آن. بدون تردید افراد یک جامعه تنها وتنها در زیر چتر حاکمیت قانون اساسی می توانند به حقوق طبیعی وبشری خود دست یازند. مشکل ما در افغانستان نبود قانون اساسی نیست، بلکه عدم تطبیق آن بوده است، شاید بی مورد نباشد که قانون اساسی یا به وسیلهٔ مردم، احزاب ویا به وسیلهٔ دولت نقض می گردد، ظاهراً این نکته شاید چندان پذیرفتنی نباشد که مردم قانون را نقض کنند ص۵

وزیر پلان:

انجو هایی که مقررات را مراعات نکنند بازپرس خواهند شد



دکتر رمضان بشردوست وزیرجدید پلان دولت انتقالی افغانستان روز یکشنبه در کنفرانس مطبوعاتی که در مقر آن وزارت تدویر شده بود، در مورد جایگاه وزارت پلان صحبت نمود وازاصلاحاتی که بعد از تقرری وی در این وزارت رونما گردیده به خبرنگاران توضیحات داد او در پاسخ یک سوال گفت:

از آن عده انجو هایی که پول های کمک شده را به صورت درست مصرف نکرده اند بازخواست صورت می گیرد. تا به حال۵۳ انجو را که خلاف مقررات وزارت پلان عمل می نمودند ، تثبیت نموده ایم که این پروسه مورد بازرسی قرار دارد. وی خاطر نشان ساخت که هیچ مؤسسه یا انجو حق ندارد که بدون مشوره، وزارت پلان به تطبیق پروژه اقدام نماید.

ص۶

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

انتخابات چرا به عقب افتاد؟

انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی که برپایهٔ سازش نامهٔ بن قرار بود در ماه جوزای امسال برگزار شود، روز یکشنبه طی یک فرمان آقای حامد کرزی رئیس دولت اعلام شد که این انتخابات پس از سه ماه در ماه میزان برگزار خواهد شد.

در فرمان رئیس دولت علت به عقب انداختن انتخابات از موعد معین آن، مساعد شدن شرایط بهتر برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی در یک زمان بروفق توصیهٔ قانون اساسی کشور خوانده شده است. اما ویلیم تایلر مسؤول امور بازسازی افغانستان در وزارت خارجهٔ ایالات متحدهٔ امریکا علت به تأخیر انداختن انتخابات را کم بودن شمار ثبت نام شدگان برای رأی دهی و وجود تهدید نیروهای طالبان والقاعده در برخی از مناطق، وعدم امنیت در بسیاری از ازبخشهای شرقی وجنوب شرقی کشور خوانده است.

درحالی که برخی از مخالفان آقای کرزی ورقیبان وی در انتخابات ریاست جمهوری به تأخیر انداختن انتخابات را بهانه یی برای ادامهٔ فرمانروایی او وتدارک زمینهٔ به دست آوردن موفقیتش در مبارزات انتخاباتی آینده وانموده اند.

در فرمان رئیس دولت در این زمینه تنها به ذکر مساعد شدن شرایط بهتر پس از سه ماه برای انجام انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی در یک زمان معین اکتفا شده است ودلائل نامساعد بودن شرایط این دو انتخابات در ماه جوزا و دشواریهای فرا روی آن توضیح نگردیده است ونیز به چونی وچندی این دشواریها وشیوه های غلبه برآن ها اشارتی نرفته است.

اما ولیم تایلر مسؤول بازسازی افغانستان در وزارت خارجهٔ آمریکا در سخنانش چنان که از پیش گفته آمد به برخی از این دشواریها اشارت کرده است. او کم بودن شمار ثبت نام شدگان برای رأی دهی در انتخابات، وجود نیروهای طالبان والقاعده در برخی از نقاط وعدم امنیت وآرامش در بخشهایی دیگر از کشور را یاد کرده است. به سخن وی سه ماه به تأخیرانداختن انتخابات این زمینه را میسر می سازد که گروه های ثبت نام به دور ترین روستاها بروند ومردم را به مشارکت در این انتخابات فرا بخوانند ونیز نیروهای ناتوی مستقر در افغانستان در هیئت گروه های بازسازی به همه ولایات کشور خواهند رفت و در کار بازسازی وسازندگی سهم خواهند گرفت.

این مأمول بی تردید در برخی از بخشهای افغانستان تاجایی ممکن است برآورده شود اما تحقق آن در همهٔ نقاط کشور به ویژه در جنوب وجنوب شرقی جایی که تاهنوز محل فعالیت های طالبان والقاعده تلقی می گردد در سه ماه آینده بسیار مشکل به نظر می آید.

به همین دلیل است که بسیاری از صاحب نظران به این باورند که هریک از آقای کرزی وایالات متحدهٔ امریکا در پهلوی این دشواری های فنی وامنیتی هدف های اساسی خود را نیز از این به تأخیر انداختن انتخابات دنبال می کنند.

آقای کرزی در این سه ماه فرصت خواهد یافت که به ترتیب اوراق خود بپردازد وتوانایی جبههٔ ائتلافی اش را مورد بازنگری قرار دهد، چون به گونه یی بسیار آشکار وضعیت اکنون از آنچه در لویه جرگهٔ اضطراری بود تغییر کرده وبرخی از یاران پارین ایشان در طی این طریق سنگین وسبک گردیده و نسبت به محور او دور ونزدیک شده اند. در سه ماه آینده ایشان با آن که گاه وناگاه از عدم رضایت خود از حکومت ائتلافی سخن می گویند در کسب مؤتلفانی تازه خواهند کوشید. این احتمالات است که برخی از رقیبان انتخاباتی وی را واداشته است تا به تأخیر انداختن انتخابات را بهانه یی در دست آقای کرزی جهت تداوم حاکمیت او بدانند.

مهم تر ازهمه مستندات حقوقی این اقدام رئیس دولت به سان برخی دیگر از کارهای ایشان مورد پرسش جدی قرار گرفته وموجب افزایش نگرانی مردم را در تصمیم گیری های دولت به دور از نظارت ملی فراهم آورده است.

در بارهٔ هدف آمریکا از این به تأخیر انداختن انتخابات، گفته می شود چون انتخابات ریاست جمهوری این کشور در ماه نوامبر برگزار می گردد، انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان نباید از آن فاصله یی زیاد داشته باشد به گونه یی که اثرات وثمرات آن از ذهن مردم آمریکا در هنگام انتخابات آن کشور ناپدید گردد؛ لذا چون وچرای انتخابات در افغانستان از این دید پیش از آن که به اوضاع واحوال افغانستان بستگی داشته باشد به تحولات ومسائل مبارزات انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحدهٔ آمریکا ارتباط دارد.

به هر روی رسالت مهینی و دینی آقای کرزی ورسالت انسانی واخلاقی جامعهٔ جهانی وایالات متحدهٔ آمریکا ومنافع ملی آن در افغانستان این است که در جهت برگزاری این انتخابات به گونهٔ عادلانه ودموکراتیک تلاش ورزند؛ واز اعمال هرگونه فشار وبه کار بردن حیله ونیرنگ در تحریف اراده ومشارکت مردم وتحویل مسیر انتخابات اجتناب کنند؛ زیرا به باور مردم افغانستان این آخرین شانسی است که در اختیار آنان ومردم افغانستان قرار دارد. از دست دادن این شانس به زیان بزرگ آنان ومردم افغانستان تمام خواهد شد وبا این کار آنان همه ارزش های انسانی ومردم خواهانهٔ خویش را در درون جامعهٔ افغانستان وبرون آن از دست خواهند داد وافغانستان خدای ناخواسته دوباره برمصیبت خواهد نشست.

از بن تا برلین

ابوبکر سبزوار

کنفرانس برلین که برای کمک به باز سازی افغانستان در کشور آلمان دایر می شود ادامهٔ کنفرانس های بن و توکیو است و قرار بود که این کنفرانس بار دیگر در بن دایر گردد اما به قول روزنامهٔ فایننشال تایمز آلمان برای تدویر کنفرانس جدید شهر برلین به این منظور انتخاب شد تا این تصور به وجود نیاید که سرنوشت سیاسی افغانستان مانند کنفرانس بن در خارج و توسط جامعهٔ جهانی رقم زده می شود!

حقیقت این است که جامعهٔ جهانی پس از واقعهٔ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ برنامهٔ شتابزده یی را برای بازسازی افغانستان روی دست گرفت بدون این که به اصل اساسی زمینه ها و شرایط لازم برای بازسازی توجه شود و به آنچه که بیش از همه مهم بود کمتر بها داده شد و آن عبارت از کمک برای به وجود آمدن یک زعامت ملی در کشور بود.

همزمان با کنفرانس برلین که قرار است کشور های کمک دهنده مبلغ بیش از چهار میلیارد دلار برای کمک جدید به افغانستان تعهد نمایند، این سوال مطرح است که آیا از کمک های قبلی به شکل درست استفاده شده است یا نه؟

این سؤال بار ها مطرح شده است که توسط بیش از دو میلیارد دلاری که در دوسال گذشته به افغانستان داده شد تا چه حد کار باز سازی این کشور ویران شده پیش رفته است. در این مورد بد نیست به یک راپور مرکز همکاری های بین المللی در نیویارک و یک آژانس غیر دولتی امریکایی به نام care (کی یر) اشاره شود. تحقیق این دو مؤسسه نشان می دهد که نگرانی ها از وضع امنیت در افغانستان و تأخیر در پرداخت کمک های تعهد شده موجب گردیده است تاتنها یک در صد از نیاز های بازسازی در افغانستان برآورده شود.

در یک صحبت رادیویی با شرکت یکی از مشاوران وزارت مالیه، وقتی این سؤال مطرح شد که میلیارد ها کمک بین المللی به افغانستان در طول بیش از دو سال گذشته به کجا رفته است این مشاور اظهار داشت که از جملهٔ این کمک ها یک بخش صرف کمک های بشری به مهاجران گردیده و بخش دیگر آن به مؤسسات غیر دولتی(انجوها) داده شده است.

وی ادامه داد که کمک های بشری به مهاجران و بیجا شدگان قابل رؤیت نیست و از همین سبب بعضی ها گمان می کنند که کاری صورت نگرفته است.

شفافیتی وجود ندارد که بتوان گفت به چه پیمانه کمک به مهاجران و بیجا شدگان صورت گرفته است اما این نکته واضح است که دادن یک بوری گندم و یک فرش پلاستیکی به مهاجران نمی تواند پاسخی قناعت بخش به این سؤال باشد.

اما در بارهٔ بخشی دیگر که به مؤسسات غیر دولتی (انجوها) داده شده است سخنی بسیار می توان گفت. بسیاری از این مؤسسات به شکل قراردادی و یا به عبارهٔ عامیانه تر در موقف یک تیکه دار عمل کرده و یک پروژه را به تیکه گرفته اند.

گردانندگان این مؤسسات (انجوها) را بیشتر کسانی تشکیل می دهند که با مقامات داخلی و خارجی رابطه دارند. اگر نگاهی به لیست وزرای کابینه بیندازید به خوبی متوجه می شوید که در میان آنان گردانندگان مؤسسات غیر دولتی (انجوها) کم نیستند. در حقیقت مافیای انجو در طول سالهای پس از سقوط طالبان به اندازهٔ مافیای مواد مخدر رشد و نفوذ یافته و بخش بزرگی از کمک ها را حیف و میل کرده است.

در کنفرانس توکیو کشور های ذیدخل در مشکل افغانستان کمک ها را به منظور امرار حیات دولت آقای کرزی به افغانستان دادند و او از این کمک در جهت زمینه ساز فعالیت های خود برای انتخاب مجدد به مقام ریاست جمهوری بهره گرفته اند. به همین علت دولت تا کنون از حسابدهی شفاف به ملت طفره رفته است.

فقدان یک رهبری ملی که مورد حمایت اکثریت مردم کشور باشد مشکلات بسیاری به وجود آورده است که بازتاب آن را در عدم امنیت و عدم تمایل مردم به ثبت نام در انتخابات دیدیم. عدم موجودیت یک مرجع با صلاحیت ملی که کمک های بین المللی به افغانستان و چگونگی مصرف آن را کنترل نماید معضله دیگری است که متأسفانه تاکنون به آن پرداخته نشده است.

بدون شک بازسازی کاری طویل المدت است و نمی توان انتظار داشت تا همه مشکلات در مدت کوتاه یکی دو سال حل گردد. ما باید از هر کمکی از طرف جامعهٔ بین المللی برای باز سازی کشور استقبال کنیم اما باید به این نکته هم توجه نمود که اگر در کشوری نظام سیاسی پایدار و مورد اعتماد ملت وجود نداشته باشد، بازسازی ره به جایی نخواهد برد. این تجربه در افغانستان بارها تکرار شده، است.

از بازسازی افغانستان نباید فقط به عنوان یک شعار و حرکت تبلیغاتی در امریکا و افغانستان استفاده کرد. اگر بازسازی فقط در حد یک شعار برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده شود جز این که ملت را بیش از پیش از این پروسه دلسرد سازد دست آورد دیگری نخواهد داشت.

باید دید مسیری که از بن آغاز و اینک به برلین رسیده است فقط به میزان کمک ها توجه خواهد کرد و یا این که سوالات مهمی چون میزان مؤثریت کمک های گذشته در بازسازی را نیز مورد توجه قرار خواهد داد.

فقدان یک رهبری ملی که مورد حمایت اکثریت مردم کشور باشد مشکلات بسیاری به وجود آورده است که بازتاب آن را در عدم امنیت و عدم تمایل مردم به ثبت نام در انتخابات دیدیم.

ملامت څوک دی او له چاسره حساب کتاب وشي؟

محمد انور وليد

ان داسلام د دویم خلیفه په زمانه کی جوته وه چی رعیت له چارواکیو په ډاګه خپل حق غوښتی شوی، او چارواکیوهم دا ثابته کړی وه چې دا دانسان خپل ذاتی حق دی چی خدای«ج» هرچا ته ورکړی، دعدالت او انصاف له مخې ورکړی شی، څرنګه چی انسانان یو له بل سره دانساني پیوند له مخی پیيلي دی، ځکه خو دلویدیځ انسانان پرختیځو، او ختیځ انسانان پرلویدیځوالو باندې دظلم او تیري په وړاندی خوږمن او دردمن دی، که په ختیځ کې پرچا باندی تیري او نادودې صورت مومندلی وی، په لویدیځ کې انسانان درسنیو او نورو وسیلوله لاری دمظلوم پرپلوی ناری سوری وهی او دظالم او ظالم غندنه کوی، او که په لویدیځ کې چاته مالی یاځانی تاوان وراړول شوی وی، ختیځوال یې ترشاکلك ولاړوی او دبشر دحقوقو ترسرلیك لاندی دمظلوم دحقوقو غوښتنه کوي، دساری په ډول، تولــه نـړی پـه افغانستان کـی دګاونډیانو دتیرو تیر یوغندنه کوله، او ترخپلواکی پوری یې ددی هیواد مالی ملاتړ ته غاړه ایښی وه، خونن چی دکورواکی نظام او قانون څښتن شو، بیاهم په اداری چاروکی هغسی روغوالی نه ترسترګو کیږی چی تمه یې کیده، ځکه که له چارواکیو وپوښتل شی، یا له ولسه او یاهم له خورو ورو افغانانو، ترنړیوالو پوری ټول له اداری نیمګړتیاوو سرټکوی، خو پوښتنه داده چی داولی؟

که له چارواکیو وپوښتل شی چی داپه ملیاردو مرستی پرته له رغاوی څنګه غیبی شوی، امنیت څنګه نه شته، او دبیارغاونی کارولی نه ګړندی کیږی؟ نو دوی ټول په یو خوله وایی چی دمرستو ژمنی له موږ سره وشوی او کیږی، خو له ډیرو لږو پرته نوری موږ ته نه دی راکړشوی، خـه بهرنی پوځونه هغه لګوی او خپلی نوری یې

۴ مخ

سیکولاریزم راهی به سوی قهقرا

اعزامی

اندیشمندان معاصر جهان اسلامی را عقیده برآن است که سیکولاریزم (جدایی دین از سیاست) رکن اصلی فرهنگ الحادی می باشد، در مکتب وفرهنگ اسلامی، دین و دولت، دنیا وآخرت، دو روی یک سکه تلقی شده واز همدیگر تفکیک ناپذیر می باشند. قاعدهٔ کلی در اسلام این است که سیاست برپایهٔ دین استوار است. در صدر اسلام بین دین ودولت هیچگونه مرز بندی وجود نداشت، کسی که رهبر دینی بود، در عین زمان نقش رهبری سیاسی را نیز بازی می کرد و وظایف اساسی دولت اسلامی، علاوه برتأمین نظم وآرامش در جامعه تأمین منافع مردم وتنظیم روابط اجتماعی، فراهم آوردن زمینهٔ تعالی روحی وسعادت معنوی وگسترش دادن فرهنگ اسلام نیز بود. قوانین حکومتی برپایهٔ فرامین دینی صادر می گردید، بدین ترتیب اسلام برخلاف مسیحیت تحریف شده، دین وسیاست ویا دنیا وآخرت را از همدیگر جدا نمی کند. مسلمانان بنا بر باورهای دینی شان، اندیشهٔ تفکیک دین از سیاست را نمی پذیرند واین فکر را یک اندیشهٔ کاملاً بیگانه و وارداتی می دانند. سکولاریزم نه راه گزیر است ونه هم جبر تاریخ که ناگزیر آن را بپذیریم. این اندیشهٔ واهی از واقعیات عینی، تاریخی وفرهنگی جوامع شرق اسلامی نشأت نگرفته، بلکه مشتی عناصر بیگانه از دین وفرهنگ یا به دلیل فهم نادرست، از روح دین ویا به دلیل ایفا کردن نقش جاده صاف کن برای فرهنگ دیگران شعار سکولاریزم را زمزمه می کنند. چنانچه این شعار را نه تنها عناصر تربیت یافته در دامان نظام های غیر اسلامی، گاه وبیگاه مشق وتمرین می کنند، بلکه در گذشته یک عده عالم نماها که در حلقه های شئون اسلامی رژیم های الحادی تجمع کرده بودند، نیز ورد زبان شان بود واز تبلیغ جدایی دین از سیاست حق الزحمهٔ گزاف کمایی می کردند.

اگر دوستان سیکولر مآب به این مقوله ها یقین دارند که: سیکولاریزم ناانسانی ترین افعال سیاسی را درمیدان سیاست مشروعیت داده است، سیکولاریزم باهر قالب ودین وایدیولوژی مخالف است، سیکولریزم ابن الوقتی «منافقت» است، برای انسان سیکولر هیچ دین و ایدیولوژی ارزشی ندارد وحتی دموکراسی وحقوق بشر در پای آن ذبح می شود، سیکولاریزم بازی بی قاعده و روش سیاسی یی برای نیل به برتری نظامی و سیاسی است و در نهایت سکولاریزم حاوی بزرگترین تناقض های سیاسی و معرفتی نیز می باشد. در حالی که سیکولریزم دارای همچو ویژگی ها وصفات نامیمون ومنفی باشد، معهذا برای جوانان و روشنفکران ما که به حق قشر پیشتاز و روشنگر جامعه اند، عیب نیست که در جهت اشاعهٔ چنان تفکرات و ایزم های بی مایه و گمراه کننده، زبان ها و یا قلم های مبارک شان را استخدام نمایند و با صرف وقت وسرمایه، ایمان وعقیدهٔ مردم را زیر سؤال ببرند؟ جامعهٔ ما از فرهنگ بر حق، غنی وپر بار اسلام بر خوردار است وقانون اساسی جدید ما نیز با صراحت بر آن صحه گذاشته و تأکید نموده که هیچ قانون و قاعدهٔ دیگری خلاف موازین اسلام در این کشور وضع شده نمی تواند. پس بر همه دانشمندان، نویسندگان، شاعران و روشنفکران لازم است که خود را تکان دهند و با برشمردن مزایا و برتری های آیین خود مان، عزم مخدوش و رنگ رفتهٔ این ملت را به سوی ترقی و تعالی جزم نمایند.

نقد اندیشه ها، تفکرات و اعمال صاحب نظران و مجریان امور، ارزشی نیست که سیکولاریزم برای ما به ارمغان آورده باشد، بلکه این ویژگی در متن اسلام وجوددارد و مکتب اسلام با نقد و اجتهادتجلی یافته است. مگر دوستان ساین مقولهٔ معروف حضرت عمر (رض) خلیفهٔ دوم مسلمانان را فراموش کرده اند که در باب آزادی تفکر و نقد اندیشه و عمل فرموده اند: (متی استعبدتم الناس وقد ولدتهم امهاتهم احراراً) «از چه زمانی مردم را غلام و بردهٔ خود ساختید، در حالی که یقیناً مادران ایشان، آن ها را آزاد به دنیا آورده اند» یا این که مشارالیه در جمعی ازمسلمانان گفت: اگر شما حقایق را نگویید، خیری در شمانیست و اگر ما هم به آن ها گوش ندهیم، خیری در ما نیست. این ها و امثال آن همه دال بر آن است که در اسلام آزادی بیان و تفکر و نقد پذیرفته شده و عملکردهای مشتی از عناصر خشونت گرا، جاهل و متعصب که دوستان از آن ها به نام حکومت دینی ویا حاکمان دین تعبیر نموده اند، ممثل و الگوی حکومت اسلامی شده نمی توانند. نباید به خاطر اشتباهات وعملکردهای فردی و یاگروهی

نباید به خاطر اشتباهات وعملکردهای فردی و یاگروهی مکتب اسلام را ملامت دانست

مکتب اسلام را ملامت دانست، اشتباه و غلطی به طور طبیعی در ذات و سرشت، هر انسانی وجود دارد، زیرا انسان مخلوق است و هر مخلوقی از ضعف وکاستی مبرا نیست. در عصر فرخندهٔ پیامبر اکرم (ص) وخلفای راشدین (رض) نیز بعضی افراد مرتکب اعمال سوء می شدند، مگر خلافکاران به حال خود گذاشته نمی شدند، بلکه با آن ها مطابق قواعد اسلامی، برخورد مناسب می شد، ولی امروزه این برخوردها کمرنگ و تشریفاتی شده و همین روش عده یی از تجدد پسندان را واداشته که با عدم پابندی به ارزش ها پای ایزم های بیگانه را به میدان بکشند وداشته های عالی بالقوهٔ خود را به بوتهٔ فراموشی بسپارند.

آری! حقیقت این است که معاندان ضعف ها، نارسایی ها و عملکردهای ناشیانهٔ عده یی را بهانه قرار داده، به وارد کردن اندیشه ها و خیالات ظاهراً آراسته و زیبا پرداخته و ذهن جوانان ما را مغشوش می نمایند، ولی ما نباید صحنه را ترک کنیم که گویا سیلاب مدهش سیکولریزم و.... برما هجوم آورده و چاره یی جز تسلیمی در برابر آن نیست، مگر ملت مجاهد افغانستان درس ایستادگی و مقاومت در برابر سیلاب ویرانگر کمونیزم را تجربه نکرد؟ جهاد و مقاومت افغانستان باید برای هر مهاجم دیگری درس عبرت باشد و هیچکسی نباید غیرت دینی و میهنی این قوم را هدف بگیرد.

اگر مردم افغانستان به جبر تاریخ تسلیم می گردیدند، باید در برابر قشون سرخ مقاومت نمی کردند، ایستادگی در برابر تهاجم نظامی و فکری کمونیزم که در نهایت به شکست مهاجمان منتج شد، خیلی از معادلات قبول شدهٔ بین المللی را برهم زد و برای ملت افغانستان افتخاری کمایی کرد که با گذشت اعصار و قرون فراموش تاریخ نخواهد شد، ما نباید همیشه به نقاط ضعف خود چشم دوخته و افتخارات دینی، تاریخی و مبارزاتی خود را از یاد ببریم. اگر ملت ما امروز با مصائب فقر و بد امنی و ویرانی دست و پنجه نرم می کند، عوامل آن را باید در داخل وخارج مرزها جستجو کرد، عاقلانه نیست که سنگ ملامتی را تنها بر فرق مجاهدین بکوبیم و قاعدین را سند برائت بدهیم و نیز عاقلانه نیست که عوامل خارجی را در این قضیه نادیده بگیریم. دنیای خارج خود به این حقیقت اذعان دارد که ما در قبال بحران افغانستان ملامت هستیم. بعضی با مداخله وتجاوز در امور داخلی کشور ما، مصیبت افریدند و بعضی دیگر با تماشاگری و بی تفاوتی در این مصیبت شرکت ورزیدند، دیده شود که هر دو تیپ برای جبران ملامتی های گذشتهٔ شان من بعد چه روشی را در پیش می گیرند، تا کشور ما موفق به تلافی خرابی های جنگ وبحران شود.

ملت ما باید از تجارب تلخ گذشته درس بگیرد و من بعد در مسابقات سیاسی با هوشیاری و مشق و تمرین وارد شوند، بُرد در بازی سیاسی را نباید با به زیر کشیدن نقش دین و اخلاق و ایدیولوژی معاوضه کنیم و چهرهٔ زشت سیکولریزم را با آن بپوشانیم. بازنده در بازی سیاسی کسی است که دین و اخلاقش را از سیاست جدا کند. زیرا سیاست بدون دین و اخلاق، دنیا را به سوی نابودی می کشد که مثال های روشن آن را در جنگ های واقع شده در طول تاریخ، جنگ های جهانی اول و دوم وجنگ های معاصر به چشم می بینیم.

اگر بخواهیم در اخیر مطالب خود را فشرده تر سازیم، باید گفت: دین با سیاست آلوده نمی شود بلکه دین و سیاست مکمل و ممد همدیگر اند، دین بدون سیاست، به رهبانیت و سیاست بدون دین به قهقرا و فساد منجر می شود. دین با سیاست نه تنها آلوده نمی شود بلکه پالوده و متجلی هم می شود، پیامبر اکرم (ص) خلفای راشدین و ائمهٔ دین در عین آن که رهبران دینی بودند، رهبران سیاسی وقت هم بودند و آن ها علاوه از حضور در محراب عبادت، در میدان جنگ و سیاست نیز فعالانه حضور داشتند.

پس بیایید که اندیشهٔ پوچ جدایی دین از سیاست را کنار بگذاریم و همه با اعتصام به کتاب خدا و تمسک به سنت حسنهٔ آن حضرت (ص) برای آینده های درخشان و آگنده از معنویت این سرزمین متحدانه کار کنیم.

بازسازی در کشور چگونه...

کارها شروع شد. یک پل کلان اساسی وپل چک ها واعمار مجدد سرک وتأسیس راه ها وسرک جدید در منطقه به شکل اساسی کار شد. در این فرصت هیأت داخلی وخارجی از منطقهٔ دیدار نمودند که الحمدلله از تمام کارهای انجام شدهٔ ما رضایت نشان داده اند.

ناگفته نماند که برای ترتیب وتنظیم این همه امور وکارهای انکشافی دفتر اساسی پخته کاری که هفت اطاق وچندین اطاق تحویلخانه وتشناب دارد ساخته شده است.

لازم به گفتن است که مشکلات خشک سالی ها دامنگیر مردم گردیده که حاصلات غله دانه، باغات وهمهٔ حاصلات زراعتی تقلیل یافته ومشکلات قابل توجه تمام مردم که منبع آبیاری آن چشمه ها وکاریز است در قدم اول مواد خوراکی می باشد که جزء مهم مشکلات منطقه بوده و دوایر حکومتی وموٌسسات خارجی در قسمت حل مشکلات عرض شده باید توجه فرماید.

این هم قابل گفتن است که در سال ۱۳۸۲ در قسمت سرک سازی واعمار پل اساسی، ادارهٔ انکشافی امریکایی کیمونیکس CHEMONICS کمک اساسی نموده وموٌسسهٔ UNOPS هم چنان در مورد سرک سازی به شکل اساسی آن بنام لول اول ولول دوم خدمات قابل توجه کرده است که ما به نمایندگی مردم منطقه از تمام موٌسسات که در این رابطه کمک وهمکاری نموده اند تشکری می نمایم.

ملامت څوک دی او له...

بهرنی مرستندویه ټولنی په بېده وهي، او ډیری کمی موږ ته راکول کیږي چې پرهغو سره موږ ددولت دا دومره لوی ماشین سم نه شو چلولای په اصل کی زموږ اقتصاد ډیر ټیټ دی، دروغ اقتصاد دنشتوالی له امله ملی امنیت هم سم نه دی. دښوونی او روزنی، دفاع، زراعت، بریښنا، بنسټیز نهری سیستمونه، تولیدی کارخانی او نور پروګرامونه چی دودی او پرمختیا سبب کیږي یا خو ډیرورو، او یا په ټپه دریدلی او خپل پرمختګ پرکاریوهانو او متخصصینو پوری تړلی بولی، خوکه هیوادوال او په بهر کی میشت افغانان ویوبتنل شی، نو هغوی بیا ددی ټولو بدمرغیو یوازینی علت دټوپک سپوری، سیمه ییز او ګوندی چاروکی او اداری فساد بولی، چی هرکس او ناکس ته دګوندی او خپلولی اړیکو له برکته دچارواکیو په لاس کی ورکړی شوی دی، او دچارواکیو دواک له لاسه دعامه ولس سر، مال، ناموس او بیت المال ټول دخانګړیو موخو دسرصدقه شول او کیږي، لنډه دا چی له هری خوا دغریب ملت پرسر دغضب کانی رالویږي، او ټل دغریب پرګور دغم تغر غوړیدلی، اخرملامت څوک دی، او له چاسره باید حساب کتاب وشي؟!!

رمز ورازهایی در رباعیات بیدل «رح»

محمداسحاق فایز

بیدل از بزرگترین شاعران فارسی گوی شبه قارهٔ هند بود. او علاوه از این که شاعر بود، از عارفان نامدارعصرش بود واندراین باب هیچ کس در هیچ جای دنیا شک وتردیدی ندارد وجای بحث وگفتگو نیز در این خصوص وجود ندارد. ویژگی دیگر حضرت ابوالمعانی بیدل، در شیوهٔ کار شاعری اش بود. چنان که او هم در عصرش واکنون نیز از بزرگترین شاعران فارسی گوی بوده است که به سبکی خاص تعلق داشت که به خاطر ظهورش در هندوستان، سبک هندی نام یافته است.

در خصوص ویژگی های سبک هندی سخن زیاد است ولی مهم ترین آنها کاربرد تصویرها وتعابیر پیچیده بانازک خیالی های بسیار زیاد است که همهٔ این حالات با زبان ساده یی که گاهی تاسطح بازار وعوام تنزل می کند ارایه می گردد.

این قضاوت از آن من نیست، در بارهٔ سبک هندی چنین چیزی گفته اند ودر خصوص آن بیشتر سخن نمی گوییم.

بیدل فارسی گوی بزرگی بود. رمز ورازهای شعر بیدل، از آن گاه که او چهره در نقاب خاک کشید تا امروز که ده ها سال از خاموشی او می گذرد همچنان پابرجاست وکمتر در خصوص دریافت و وضاحت بخشیدن آنها کار صورت گرفته است.

دلیل این کار می تواند متعدد ومختلف باشد، ولی عمده ترین آن را می توان چنین انگاشت که تعصب برتری بخشی به شاعران دیگر پیرو سبک هندی از جمله صائب در ایران تا اندازه یی موجب چنین حالتی گردیده است. تعداد کتاب هایی که در ایران امروزی در خصوص دریافت تعابیر وپیچیدگی های شعر حافظ نگاشته وچاپ شده است. به صدها کتاب می رسد ولی بیدل با آن عظمت وبزرگی اش تا هنوز که هنوز است در ایران ناشناخته مانده است. برای اثبات این سخن ما این نکته که دیوان بیدل فقط در همین چند سال گذشته در ایران اقبال چاپ یافته گواه روشنی می تواند باشد.

دلیل دیگر این فراموشی بیدل ودنیای ویژهٔ او در شعر فارسی، این نیز است که دریافت تعابیر ومعانی بلیغ ورسای اشعار بیدل دشوار است و از همین سبب دانشمندان ونقادان شعر وادبیات فارسی کمتر زحمت کاوش وجستجو در شعر او را بخود هموار کرده اند.

به هر صورت در این مقال کوچک برآنم تا پاره یی از نکات سودمند را در رباعیات بیدل«رح» جستجو کنم. یاددهانی می شود که من برداشت های خود را از رباعیات بیدل«رح» ارایه می کنم وشما می توانید به گونه هایی که خودتان از شعربیدل برداشتی دارید، مفهومی ارایه کنید.

بیدل پیری را جامی می داند که از ناامیدی پر است واز خواب نیستی به آدمی پیغام می دهد. همان گونه که حاجی برای رفتن به کعبه وطواف، مکلف به بستن احرام است، بیدل ریش وموی سفید را بررخسار وسر آدمی احرامی می داند که پیران برای طواف گور، آن خانهٔ ابدی باید با آن ملبس شوند:

پیری که زبزم ناامیدی جامیست
کیفیتش از خواب عدم پیغامیست
هشدار که از بهرطواف لب گور
در موی سفید جامهٔ احرامیست

تمییز وجهل دو گونه متباین اندیشه وبرداشت از هستی در ذهن آدمی است. این دو سر رشته در نهاد آدمی به گونهٔ ازلی نبوده، اکتسابی است وآدمی می تواند باتلاش ومجاهدت به عقل مندی وخردمندی برسد.

بیدل با یاددهانی از این وضعیت تأکید می کند که اگر تمییزی در سر نداری، جهل ونادانی از سرشت تو نیست. اگر چنانچه استعدادت را که سرمایهٔ زندگی توست بکار اندازی به مطلوب می رسی. بیدل می گوید که هشدار سرمایهٔ تو همین دست تو است. دست که آدمی را بابهره گیری از عقل وخرد به اوجها می کشاند و او را به رمز ورازهای زندگی غالب می کند. دستی که به فرمان اندیشه وعقل آدمی پنداشت ها را به فعل در می آورد. تولید می کند، می سازد، می آفریند وهستی را با آن دگرگون می سازد:

گر آیینهٔ تمیز در دست تونیست
سر رشتهٔ جهل نیز در دست تونیست
استعداد است آنچه سرمایهٔ تست
جز دست تو هیچ چیز در دست تو نیست

دنیا، معرکهٔ کار وتلاش است ولی بسیار است که تلاش آدمی موجب حصول راحت وآرامش نگردد، چه انسان بادایرهٔ وسیع آرزوها وامیدهایی که دارد، پیوسته دل در گره چیزی تازه می بندد. آدمی تا تلاش می کند در مسیر عمر، راه رسیدنش کوتاه نمی شود. مانند آن که در تسبیح هردانه را برمی گردانیم ولی هنوز دانهٔ دیگر در پیش است. ظرافت کار بیدل در آنجاست که او دانه های تسبیح را آبله هایی می داند که در برگردانی تکرار می شوند. آبله هایی که دردست ها وپاهای تان از اثر تلاش به وجود آید ولی کمال مطلوب هنوز حاصل نیاید؛ زیرا تلاش انسانی را سرانجامی نیست:

فریاد که کار سعی دلخواه نشد
خون گشت دل و زراحت آگاه نشد
عمریست چو تار سبحه داریم به پیش
راهی که به صد آبله کوتاه نشد

انسان در کارگاه آفرینش موجودی کوچک است. انسان است. بیدل خوانندهٔ شعرش را به این نکته ملتفت می کند. انسان را مهمانی می داند که در این چند روزی می خرامد ولهذا هشدار می دهد که ای انسان خود را دریاب وخود را مانند غولی مپندار وتصور نکن که چیزی هستی، که این کار جز فضولی تلاشی نیست. این در ظاهر امر. واما در تعبیر اصلی، آدمی را به مقام انسانی انسانیت او برتری می دهد وبیدل تأکید می کند که حالا با این مواصفات انسانی اگر از حیطهٔ آدمیت پا بیرون نهی چون غولی خواهی بود فضول:

ای بی خبر انسانی وغولی بگذار
اندیشهٔ ردی وقبولی بگذار
- در خانهٔ وهم مهمانی دو سه روز
خود را چیزی مدان فضولی بگذار

اما در پیرامون آگاهی وجهل باردیگر بیدل به تعبیری دیگر می پردازد. او معتقد است که در عالم ظهور آدمی، آگاهی وجهل جز عجز وغرور چیزی نیست.آن که آگاه است وصاحب فضل ودانش تواضع پیشه می کند وعجز می ورزد وبه حقیقت می رسد، ولی جهل انسان را به غرور کاذب وکشندهٔ می کشاند. انسان از آن یک به غنا وتوانگری می رسد واز این دیگر به احتیاج ونیازمند بودن پیوسته:

در عالم اعتبار تحقیق ظهور
آگاهی وجهل نیست جز عجز وغرور

ان یک قلم آیینهٔ اسرار غنا
این سر به سر احتیاج اسباب شعور

در باب آزادگی:

بیدل زغم ونشاط دوران بگذر
از بیش وکم مشکل وآسان بگذر
در گلشن دهر چون نسیم دم صبح
آزاده درآی دامن افشان بگذر

دامن بیفشان. در سفری که در پیش رو داری چیزی باخود نخواهی برد. پس دامن را بتکان، تاگردی هم بر دامن از این جا نبری. آزادهٔ آزاده باش. بیدل از مصاحبت باخسیسان ولئیمان ما را به احتراز وامی دارد وتوصیه می کند که به دریا شوید تا به گوهر مقصود دست یابید. در سایهٔ شفقت بزرگان بروید که از آن به مقصود خواهید رسید. معاشرت باخسیسان جستجوی گوهر مقصود در جوی وچشمه است که مقدور نیست. به دریا شوید، تنها در مقابله باامواج سهمگین دریا ست که می توان به گوهر دست یافت:

عزت طلبی دل از خسیسان واگیر
درسایهٔ شفقت بزرگان جاگیر
از چشمهٔ دهر کس به گوهر نرسید
زنهار ای قطره راه دریا گیر

سه غزل ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی

پرتو آه

پرتوِ آهی زجیبت گل نکرد ای دل! چرا؟
همچو شمعِ کشته بی نوری در این محفل، چرا؟
منزلت عرشِ حضور است ومقامت اوجِ قرب
نورخورشیدی، به خاکِ تیره ای مایل چرا؟
چون سلیمان هم گره برباد نتوانست زد
ای حباب! این سرکشی برعمرِ مستعجل چرا؟
نیست از جیبِ تو بیرون گوهر مقصود تو
بی خبر سرمی زنی چون موج برساحل چرا؟
جلوه گاهِ حُسن معنی، خلوت لفظ است وبس
طالب لیلی نشیند غافل از محمل چرا؟
تابه کی بی مدعا چون شمع باید رفتنت
جادهٔ خود را نسازی محو در منزل چرا؟
بردو عالم، هرمژه برهم زدن، خط می کشی
نیست یک دمِ نقشِ خویش از صفحه ات زایل چرا؟

مادر گیتی

به مهر مادر گیتی مکش رنج امید اینجا
که خون ها می خورد تاشیر می گردد سفید اینجا
محیط از جنبشِ هرقطره صد توفان جنون دارد
شکستِ رنگ امکان بود اگر یک دل تپید اینجا
زساز الفت آهنگِ عدم، در پردهٔ گوشم
نوایی می رسد کز بیخودی نتوان شنید اینجا
درین محنت سرا آیینهٔ اشک یتیمانم
که در بی دست وپایی هم مرا باید دوید اینجا
بلند است آنقدرها آشیانِ عجز مابیدل!
که بی سعی شکستِ بال وپر، نتوان رسید اینجا

سرمشق حیرت

کرده ام سرمشقِ حیرت، سروِ موزون ترا
ناله می خوانم بلندیهای مضمون ترا
شام پرورد غمم باصبح اقبالم چه کار
تیره بختی سایهٔ بیدست مجنون ترا
شور استغنا برون از پرده های عجز نیست
رشتهٔ ما سخت پیچیده ست قانون ترا
فهم یکتاییست فرقِ اعتباراتِ دویی
عمرها شد خوانده ام برخویش افسون ترا
هرچه می بینم سراغی از خیالت می دهد
هردو عالم یک سرِ زانوست محزون ترا
بیدل! آزادی گر استقبالِ آغوشت کند
آنقدر واشو که نتوان بست مضمون ترا

سپرلی

فتح محمد «تکر»

که په وطن دبارانونو سپرلی راشی
[illegible] فطرت به درنگونو سپرلی راشی
رنگینی به [illegible] بنکلا به شی او حسن
که پدی سویو باغونو سپرلی راشی
دشبه شبیه باران [illegible] تمه تمه
چی به کله [illegible] فصلونو سپرلی راشی
ای [illegible] کوره رانشی د [illegible] خواته
[illegible] پربرده په [illegible] سپرلی راشی
دلاله کلی به [illegible] کی دعا کری
[illegible] وکری په قومونو سپرلی راشی
که مونږ زړونه [illegible] سره پیوند [illegible]
بیا به [illegible] امیدونو سپرلی راشی
په ورمو به می [illegible] تازه کیږی
که«تکر» په [illegible] سپرلی راشی

طهارت گلها

نایل لاجوردین شهری

تو از غزال غزل آهوانه می گذری — عواطف منی در یک ترانه می گذری
چویک ترحم شبنم به صبح گاه بهار — زچشم غنچه وگل عارفانه می گذری
شقایقی که فنا ناپذیر خواهد ماند — تویی تویی که چنین عاشقانه می گذری
تو ای طهارت گلها تو ای طراوت باغ — بهار می خندی، وحشیانه می گذری
چرا تمام شگفتن براه آمدنت — شگفت ولیک تو باصد بهانه می گذری
عبث نشسته براهت بهار ولاله وبرگ — تو از طریق تغافل شبانه می گذری
قصیدهٔ طرب وشعر پرنشاط تویی — که از تخیل من شاعرانه می گذری
قصیدهٔ من، وشعر من وترانهٔ من — نطیف می آیی، عاشقانه می گذری

عملیات نظامی در وزیرستان جنوبی

وحید مژده

از چند هفته قبل که دولت پاکستان پس از مدتها تعلل تحت فشار های دولت امریکا ناچار به عملیات نظامی در وزیرستان جنوبی شد، دولت افغانستان از این اقدام پاکستان حمایت کرد. در تاریخ روابط میان افغانستان و پاکستان، این نخستین بار است که دولت افغانستان از اقدام نظامی برعلیه قبایل آنسوی دیورند حمایت می کند.

تا قبل از این هرگونه دخالت نظامی پاکستان بر علیه قبایل ماورای دیورند از طرف دولت افغانستان با عکس العمل مخالف مواجه می شد. حتی در دوران دو جنگ میان هند و پاکستان، دولت افغانستان از بمباران طیارات هندی برمناطق مربوط صوبهٔ سرحد ابراز نگرانی نموده و این نگرانی خود را به اطلاع مقامات هندی نیز رسانیده بود زیرا افغانستان خط دیورند را به عنوان مرز دو کشور به رسمیت نه می شناخت.

به این ترتیب می توان گفت که این عملیات پاکستان در منطقهٔ قبایلی موقعیت این کشور را در مسألهٔ دیورند قوی تر ساخته است که می تواند برای آن کشور یک پیروزی باشد.

اما از این جنبهٔ مثبت قضیه برای پاکستان که بگذریم مشکلات پاکستان در این منطقه فوق العاده زیاد است.

منطقه یی که عملیات در آن جا صورت گرفت یکی از مناطق کوهستانی و صعب العبور در مرز دوکشور است. در دورهٔ سلطهٔ بریتانیا بر نیم قارهٔ هند، انگلیس ها قادر به کنترول این مناطق نبودند و به مناطق قبایلی خودمختاری دادند که تا کنون نیز برقرار است.

در دوران جهاد بر علیه شوروی نیز در این منطقه «تورغر» از سنگر های مستحکم مجاهدین در دامنه های مربوط به افغانستان بود. مردم وزیر در دو سوی دیورند با هم یک قبیله اند و خصلت نظام قبیله یی چنین است که اعضای یک قبیله در هر جایی که باشند پیوند شان پابرجاست.

مسألهٔ حمایت از پناهنده در میان قبایل بسیار قوی است. به یاد داریم که چگونه ملا محمد عمر تا آخر از حمایت رهبران القاعده دست نکشید.

منطقهٔ وزیر در شرق افغانستان در دوران جهاد تحت کنترول حزب اسلامی بود. دو فرمانده مشهور این حزب در این منطقه (حاجی خیر محمد و برادر زاده اش حاجی زمان) از همین منطقه بودند. از آن جایی که حزب کمونیست در شرق افغانستان هواداران سرسخت داشت که برای مجاهدین مشکلات زیاد به وجود آورده بودند، حاجی زمان در دوران حضور نیرو های شوروی در افغانستان به دستور حزب، به دولت کابل پیوست و با دهها نفر از اعضای حزب کمونیست به روستای خودش (زاوه) آمد و سپس همهٔ آنان را اعدام کرد. نیروهای شوروی و دولت کابل به علت کوهستانی بودن نتوانستند به این منطقه دسترسی یابند. کنترول سرحد این منطقه نیز بسیار دشوار است.

القاعده از قبل می دانست که دولت پاکستان برای سرکوب آنان در مناطق سرحدی مصمم است و به همین دلیل بود که دو بار به جان جنرال پرویز مشرف سوء قصد صورت گرفت اما او از آنها جان سالم به در برد.

زمانی که چند هفته قبل نیروهای پاکستانی تصمیم به عملیات در منطقهٔ وزیرستان جنوبی گرفتند، مشخص بود که این عملیات آسان نخواهد بود. دولت پاکستان خود از این دشواری آگاه بود و عملیات به احتیاط آغاز شد.

دولت تعداد زیادی از نیروهای پیاده به منطقه آورد. با توجه به اختلاف میان پشتون ها و پنجابی ها دولت پاکستان سعی نمود تا حساسیت ها را دامن نزند ترکیب این نیرو ها را طوری تنظیم کرد تا حساسیت برانگیز نباشد. نیروهای پیاده توسط افراد ملیشه در محل تقویت شدند و فرماندهی عملیات نیز به عهدهٔ صاحب منصبان پشتون نهاده شد.

در نخستین روز های جنگ مشخص شد که مقاومت بسیار شدید است. دهها نفر کشته، مجروح و اسیر برای اردوی پاکستان نشان داد که چرا پاکستان با وجود اعتراضات افغانستان و فشار های امریکا، تا کنون از دست زدن به عملیات در این مناطق خودداری می کرد.

مشکل پاکستان در چنین جنگ ها تنها مشکلات مادی نیست.

پاکستان از بدو تأسیس به علت اختلاف با هندوستان همیشه در تربیت اردوی خویش توجه زیاد به مسایل عقیدتی داشته و تلاش نموده تا یک اردوی «مجاهد» در دفاع از کشور داشته باشد تا در برابر کثرت عددی نیروهای هند قادر به مقابله باشد. وقتی یک اردو با چنین طرز فکر در برابر کسانی قرار می گیرد که آنها نیز ادعای مشابه دارند، اردو نخواهد توانست روحیهٔ رزمی خود را آن گونه که لازم است تبارز دهد

و این مشکل دقیقا در جنگ های وزیرستان جنوبی به مشاهده رسید.

از طرف دیگر در میان مردم قبایل نیز تندروی مذهبی در دوران جهاد افغانستان تقویت شد. چند روز قبل از حملهٔ نظامی امریکا به افغانستان، هزاران جنگجوی قبایلی برای کمک به طالبان به افغانستان سرازیر شدند و بعد از فروپاشی نظام طالبان به اسارت درآمدند.

در وزیرستان جنوبی طاهر یولداش و افراد تحت فرمانش پناه گرفته بودند. آنها پس از سقوط طالبان به این مناطق رفتند و از همان ... حملهٔ احتمالی امریکا آمادگی می گرفتند. ... میان آنان چچنی ها، افرادی ص۶





چالش های جدید در برابر تطبیق...

تطبیق قانون اساسی باچالش هایی جدید مواجه است، شاید تدوین قانون اساسی آن قدر مهم ومشکل نباشد که تطبیق آن. بدون تردید افراد یک جامعه تنها وتنها در زیر چتر حاکمیت قانون اساسی است که می توانند به حقوق طبیعی وبشری خود دست یازند. مشکل ما در افغانستان نبود قانون اساسی نیست، بلکه عدم تطبیق آن بوده است، شاید بی مورد نباشد که قانون اساسی یا به وسیلهٔ مردم، احزاب ویا به وسیلهٔ دولت نقض می گردد، ظاهراً این نکته شاید چندان پذیرفتنی نباشد که مردم قانون را نقض کنند که برای آنها و در جهت منافع آنها ساخته شده باشد، مردم اساساً مخالف قانون اساسی بوده نمی توانند که منافع ملی آنها در آن تضمین شده باشد. بگذریم از این مسأله که این قانون وسایر قوانین در افغانستان چه نواقصی داشته است. قضیه همان شیوهٔ تطبیق آن در کشور است. در صورت تطبیق عادلانهٔ قانون اساسی بحران موجود در کشور تاحدی فروکش می نماید، افغانستان در زمینهٔ قانون اساسی تجربه باثبات نداشته وثمر حکومت قانون را در کشور تجربه کرده ایم. به سخن دیگر ما تاکنون یک قانون اساسی پذیرفته شده به وسیلهٔ مردم که آن را از خود بدانند نداشته ایم.

مردم زمانی می توانند در چارچوب قانون حرکت کنند که از نفاذ قانون آگاهی داشته باشند، بی خبری مردم از قانون می تواند، این امکان را به وجودآورد که آنها ناآگاهانه به نقض قانون بپردازند. چالش های جدید در تطبیق قانون اساسی همانا فعالیت های احزاب، سازمان ها وگروه های سیاسی در کشور است که امکان دارد گاهی شعارها وحرکت های سیاسی آنها در تناقض باقانون اساسی قرار گیرد، چنان که در گذشته در افغانستان نیز یک چنین مواردی دیده شده است.

مردم زمانی می توانند در چارچوب قانون حرکت کنند که از نفاذ قانون آگاهی داشته باشند

اما چالش جدیدی که در برابر تطبیق این قانون وجود دارد، همانا عدم کفایت حکومت مرکزی درتمام قلمرو خویش است، کابل در طی دوسال واندی نتوانست نفوذ خود را برولایات حداقل در سطح سیاسی تحکیم بخشد. رابطهٔ کابل، هم اکنون باولایات هر روز کم رنگ شده می رود، در هرولایت حکومت جداگانه وجود دارد عناصر ملی در رهبری ومدیریت کشور به دور انداخته شده اند. به شخصیت های ملی که فقط پیرامون وطن می اندیشند، کوچکترین توجه صورت نمی گیرد ودر برخی از موارد، بدتر از طالب باآنها برخورد می شود.

آنچه تطبیق قانون اساسی را به ناکامی مواجه می سازد. همانا عدم برنامهٔ سنجیده شده پیرامون خلع سلاح است. گاه گاهی فقط پیرامون برنامهٔ خلع سلاح و بعضی از ملاقات های سران دولتی بابرخی از کشورهای دوست به نمایش گذاشته می شود. در حالی که داشتن سلاح به هرنام وهربهانه نزد اشخاص غیرمسؤول جرم وجنایت است، دولت درکنار این حادثهٔ بزرگ تاریخی فعالیت های جدی وفراگیرانجام نداده است، به سخن دیگر در این زمینه شکست خورده است. تازمانی که خلع سلاح درکشور صورت نگیرد تطبیق قانون اساسی یک ایدیا افلاطونی بیش نیست. از دستگاه قصر ریاست جمهوری تادورترین نقطهٔ افغانستان خشونت اعمال می گردد، دارایی های عام در شهر کابل وسایر ولایات بین سردمداران قدرت تقسیم شده است.

عامل دیگری که در کشور می تواند در تناقض باقانون اساسی عمل کند، دولت است، دولت ها وبه ویژه کشورهای شرقی همیشه استعداد یاغریزهٔ گریز از سلطهٔ قانون را داشته اند.

طوری که دیده شده است حکومت هایی که خودقانون اساسی را نافذ کرده اند در مواردی باعملکردهای خویش در تناقض با ان قرار گرفته اند. یک چنین مسائلی را باید از هم اکنون مطرح کرد، من فکر می کنم که در ارتباط به چگونگی تطبیق قانون اساسی، شیوه های تطبیق واستمرار حاکمیت قانون در کشور می شود بحث هایی را چه در سطح مطبوعات ورسانه های گروهی وچه با ارایهٔ کنفرانس ها وگردهم آیی های کارشناسان وروشنفکران راه اندازی کرد.

بعد از تصویب این قانون به وسیلهٔ لویه جرگه شورای حراست از قانون اساسی اصلاً شکل نگرفته است. لازم است که اعضای این شورا ویا کمیتهٔ نظارت بر تطبیق قانون اساسی باید مستقلانه از دولت عمل کند. این شورا می تواند درجهت تطبیق قانون فعالیت های زیرین را به پیش برد. شورا وظیفه خواهد داشت تاتمام قوانینی را که در کشور نافذ می شود، بربنیاد قانون اساسی ارزیابی کند. در صورتی این قوانین در مواردی باقانون اساسی مغایرت داشته باشد، شورا صلاحیت خواهد داشت تاچنان مواردی ص۶

چالش جدیدی که در برابر تطبیق این قانون وجود دارد، همانا عدم کفایت حکومت مرکزی درتمام قلمروخویش است

تأخیر انتخابات، انگیزه سیاسی ...

چهار ماه بدینسو در سدد است تادرگام نخست فرایند ثبت نام رأی دهندگان را در کشور به اکمال برسانند تامعلوم شود در کار انتخابات چقدر افغان شرکت می کند وآیا بادر نظر داشت ارقام ارایه شده این انتخابات شامل اکثریت می شود ومشروعیت می یابد یاخیر؟

دوماه پس از آغاز ثبت نام رأی دهندگان معلوم شد که میزان مراجعهٔ مردم به محلات ثبت نام کمرنگ است واین امر، احتمال این را که افغانستان نتواند در وقت معینه انتخابات برگزار کند قوت یافت.

هرچند تاهنوز در همه ولایات و ولسوالی های کشور محلات ثبت نام رأی دهندگان ایجاد نگردیده است ولی نگرانی های ملل متحد واخیراً دولت از این بابت که جریان ثبت نام به کندی پیش می رود افزایش یافت وسرانجام آقای کرزی در کنفرانسی اعلان داشت که این پروسه تااواخر ماه سنبلهٔ سال جاری به تأخیر افتد.

این در حالی است که تعدادی از تحلیل گران امور وسیاستمداران کشور علت تأخیر در تاریخ برگزاری انتخابات را به نوعی به انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحدهٔ امریکاکه قرار است در زمان تاریخ انتخابات افغانستان برگزار شود، مربوط دانسته اند.

این عده می پندارند که امریکا(بوش) می خواهد از بابت افغانستان خاطر جمع شود تا با دست آوردی خوب به مصاف رقیب دیگر خود برود.

یقیناً تعیین زعامت جدید در افغانستان نمی تواند در پروسهٔ انتخابات آیندهٔ امریکا نیز بی تأثیر باشد.

حاجی محمدمحقق سابق وزیر برنامه ریزی افغانستان که اخیراًتوسط آقای کرزی از سمتش معزول شد وخود یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری کشور است، در گفتگویی پیرامون این مسأله اعلان داشت که اگر انتخابات به دلایل تخنیکی به تأخیر افتیده است، مشکلی نیست زیرا سازمان ملل هنوز نتوانسته به این امر خوبتر رسیدگی کند. ولی اگر آقای کرزی توجیهش از مسأله طور دیگری است آن را نمی توان پذیرفت زیرا سازشنامهٔ بن برای برگزاری انتخابات زمان معینی را پیش بینی کرده بود که دو سال بعد از امضای معاهده و در اوایل تابستان امسال تکمیل می گردد.

آقای محقق که به دلیل اعلان کاندیدایش برای احراز مقام ریاست جمهوری آیندهٔ افغانستان توسط کرزی برکنار شد، گفت که در اوایل تابستان زمان تعیین شدهٔ دوسال به پایان می رسد وآقای کرزی باید از آغاز تابستان حکومت را به شخص بی طرفی واگذار کند وخود مانند سایر کاندیداها برای رقابت در کار انتخابات آمادگی بگیرد.

پیشنهاد آقای محقق یک پهلوی قانونی هم دارد زیرا باید هرکاندیدا سه ماه پیش از برگزاری انتخابات باید از امورات دولتی مستعفی شود.

آقای کرزی که خود را از یکسو برای احراز پست مقام ریاست جمهوری آیندهٔ کشور کاندید نموده است، از سوی دیگر در حال حاضر زمامدار بالفعل مملکت نیز می باشد چگونه می تواند این امر را تضمین کند که از قدرت وصلاحیتش در امر سمت وسو دادن انتخابات آینده استفاده نکند؟! در حالی که او بارها نشان داده است که برای ابقای قدرتش مایل است دست به هرترفند سیاسی وحتی نظامی بزند.

مسعوده جلال یکی دیگر از کاندیدا های انتخابات ریاست جمهوری در گردهمایی دانشجویان در مزار شریف از به تعویق انداختن انتخابات که بر اساس توافقات بن بایست در ماه جوزا ۱۳۸۳ برگزار می گردید انتقاد نموده گفت : به تعویق انداختن انتخابات بهانه یی برای ادامهٔ قدرت است.

عملیات نظامی در وزیرستان ...

از کشورهای آسیای مرکزی و افراد مربوط به ابومحمد ترکستانی رهبر جنگجویان ایغور در سین کیانگ چین حضور داشتند.

طاهر یولداش که به نام های محمد عمر فاروق، طاهر نمنگانی و قاری طاهر جان نیز شهرت دارد اهل ازبکستان بوده و از مخالفان سرسخت دولت فعلی ازبکستان است. او در دوران حکومت استاد ربانی و مدتی بعد از آن در حیات آباد پیشاور سکونت داشت و در پاکستان از حمایت بعضی خانواده های مهاجر که از بخارا به پاکستان رفته وبخارایی خوانده می شوند برخوردار بود. در عربستان سعودی نیز مهاجران بخارا با طاهر همدردی دارند.

قرار اظهار مقامات نظامی پاکستان در درگیری های نظامی در وزیرستان، افراد وابسته به طاهر یولداش دست داشته اند اما در مورد این که چه تعداد از آنان دستگیر شده اند به صورت مشخص اطلاعی در دست نیست سخنگوی ارتش پاکستان از کشته شدن مسؤول استخبارات القاعده بنام عبدالله خبر داد اما جسد وی نیز به دست نیروهای پاکستانی نیفتاده است.آخرین اقدام پاکستان در این مناطق فرستادن یک جرگهٔ قبایلی به نزد جنگجویان بود تا آنها اجساد و اسرای فوج پاکستان را تحویل دهند و پس از آن این عملیات دوازده روزه به پایان رسید.

ارتش پاکستان اعلام نمود که در این عملیات بیش از هشتاد خانه ویران و بیش از یکصد نفر از جنگجویان به قتل رسیده و بیش از دوصد تن نیز دستگیر گردیده اند. اما در داخل پاکستان مردم به این باور اند که نیروهای پاکستانی در این جنگ به اهداف خود دست نیافتند. نه از افراد مهم القاعده و طالبان کسی به دام آنان افتاد و نه مقاومت به پایان رسید بلکه فوج به خواست مردم قبایل که حامی جنگجویان اند تسلیم شد و به محاصرهٔ منطقه پایان داد و همزمان با آن دکتر ایمن الظواهری افواج پاکستان را به عدم اطاعت از فرماندهان شان فراخواند.

شاید عملیات نیرو های پاکستانی می توانست نتایج بهتری بدهد اگر همزمان با آن ماجرای کشته شدن رهبر حماس به دست اسرائیلی ها پیش نمی آمد. این قتل که احساسات مسلمانان را در سراسر جهان جریحه دار ساخت در پاکستان نیز به اعتراضات گسترده مواجه شد و این خود بالای روحیهٔ رزمی سربازان پاکستانی تأثیر منفی داشت.

اکنون باید دید که قدم بعدی پاکستان چیست. هرچند رسما اعلام شده است که دسته هایی از اردوی پاکستان در (وانه) مستقر خواهند ماند و در صورت لزوم دست به عملیات خواهند زد اما بدون شک گسترهٔ دامنهٔ این عملیات محدود خواهد بود. در حالی که امریکا خواهان آن است تا عملیات قاطع تری علیه بقایای طالبان و القاعده صورت گیرد.

یکی از سخنگویان نیروهای ائتلاف بین المللی ضد تروریسم به رهبری آمریکا در افغانستان گفته است که ۲۰۰۰ تن از تفنگداران آمریکایی که به زودی به نیروهای ائتلاف در افغانستان خواهند پیوست به محض رسیدن به خاک این کشور، عملیات ویژه یی را آغاز خواهند کرد که ممکن است شش ماه به طول انجامد.

میشل دیورث که دریک کنفرانس خبری در کابل سخن می گفت، خاطر نشان کرد که هدف از پیوستن نیروهای جدید به ائتلاف، تنها دستگیری یکی دو تن از رهبران القاعده نیست، بلکه آنها به منظور از میان بردن کا مل شبکهٔ القاعده و بقایای طالبان درمرز افغانستان و پاکستان به این منطقه اعزام می شوند.

اما یکی از افسران نظامی پاکستان در جواب این سوال که اگر در آینده امریکا بخواهد همراه با نیرو های پاکستانی در این مناطق دست به عملیات بزند پاکستان حاضر به این کار خواهد بود یا نه گفت که ما نیروی کافی در اختیار داریم و امریکا می تواند فقط در بخش اطلاعاتی ما را کمک کند.

تظاهراتی بزرگ در پنجشیر ...

در سراسر افغانستان ایجاد گردد وهرات به عنوان یکی از پایگاه های افتخار آفرین جهاد ومقاومت مردم افغانستان، مورد تأکید وحمایت قرار بگیرد.

این اولین همایش مهم سیاسی درحمایت از حیثیت ومقام مجاهدان هرات درخارج از این ولایت است که به عمل می آید وممکن است این حرکت اسباب تحرک بیشتر وحدت طلبانه در سایر ولایات گردد، تحرکی که توسل به شیوه های سیاسی مبارزه را به گونه یی بارز گسترش می بخشد.

در قطعنامه باصراحت گفته شده است که مردم از آقای کرزی وکسانی که باوی هم دستند، حمایت نخواهند کرد.

انجو هایی که مقررات را مراعات ...

همچنان آقای بشر دوست در مورد توزیع بورسهای تحصیلی گفت:

از آنجایی که تحصیل حق مسلم هر افغان است ، ما پلان داریم ، تا بورس هایی که از کشورهای خارجی برای دولت افغانستان مواصلت می کند، از طریق کمیسیونی که متشکل از نمایندگان وزارت خانه های، تحصیلات عالی ومسلکی، معارف،خارجه،تحت ریاست نماینده، وزارت پلان می باشد، تقسیم نماییم که در این راستا هیچ گونه سفارش و روابط در نظر گرفته نخواهد شد ویگانه معیار مد نظر اهلیت و استعداد کاندید بورس خواهد بود.

گزارشگر ندیم

چالش های جدید در برابر ...

را ملغا اعلان کند ویاهم ازمنابع مربوط بخواهد تا به اصلاح چنان مواردی بپردازند، البته در گذشته ها نیز یک چنین نهادی در کشور وجود داشته است که وظایف آن درهمین حدخلاصه می گردید.

شورای نظارت برتطبیق قانون اساسی جهت آگاهی مردم از ارزش این قانون می تواند نشریه یی داشته باشد. مطالب این نشریه عمدتاً درجهت بلند بردن سطح آگاهی مردم از قانون اساسی، اهمیت قانون اساسی، مسؤولیت مردم در برابر قانون اساسی، ضرورت مراعات قانون اساسی، اهمیت تطبیق وحاکمیت قانون اساسی، مسائل وموضوعاتی از این دست می تواند استوار بوده باشد. این نشریه می تواند به زبان های دری وپشتو وزبان های محلی افغانستان انتشار یابد وبه تمام ولایات وشهرک های افغانستان درمیان مردم پخش وتوزیع گردد. همچنان ضرور به نظر می آید که این شورا درمناطق مهم افغانستان نمایندگی داشته وگردهم آیی های توضیح قانون را درمکاتب، مدارس وادارات دولتی راه اندازی کند. در این گردهم آیی ها کارشناسان عرصه های مختلف می توانند به توضیح وتشریح قانون اساسی، ضرورت ومراعات آن درجامعه بپردازند. غیر از این، شورا می تواند رشته برنامه های آموزشی را در این زمینه در رادیو تلویزیون مرکز و ولایات کشور راه اندازی نماید. مهمترین وظیفهٔ این شورا نظارت برکار کرد دولت، اعضای بلند پایهٔ دولت وفعالیت های احزاب وگروه های سیاسی درکشور خواهد بود. در این ارتباط شورا باید با این معیار رفتار کند که هیچ کس در کشور نمی تواند در برابر قانون غیر مسؤول بوده باشد. اجرای این بخش البته جرأت بیشتر می خواهد. این شورا مکلفیت خواهد داشت تاموارد نقض قانون اساسی را از افراد دولت در هرسطحی که قرار داشته باشد بررسی نماید و در صورتی که ثابت شود هریک از مقامات بلند پایهٔ دولتی، قانون اساسی را نقض کرده است. مطابق به قانون باید به آنها جزا داده شود. البته در ارتباط به چگونگی شیوه های تطبیق قانون اساسی درکشور می توان مسائل دیگری را نیز مطرح کرد که انتظار برده می شود جامعهٔ روشنفکری افغانستان در این زمینه به طرح دیدگاه های خود بپردازد.

احکام جزا در اسلام

لواطت وهمجنس بازی

سید ناصر تقدسی

جریمۀ نابخشودنی لواط یکی از بزرگ ترین جرایمی است که خداوند ارتکاب آن را منع قرار داده است، این جرم پلید نه تنها تباه کنندۀ آفرینش، فطرت، دین ودنیای انسان که بنیان بر اندازندۀ کاخ زندگی نیز هست، باتوجه به شناعت وزشتی این کار است که پروردگار بزرگ عاملان آن را باسخت ترین عذاب گوشمالی داده است، چنان که برقوم لوط زمین را فرو برد واز آسمان برآنان سنگ باراند. وداستان ایشان را در قرآن نیز یاددهانی کرده است تا در درازای تاریخ مایۀ پندوعبرت برای نسل های بشری گردد:

(ولوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفاحشه ماسبقکم بها من أحد من العالمین. إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء، بل أنتم قوم مسرفون. وماکان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون. فأنجیناه وأهله إلا امرأته کانت من الغابرین. وأمطرنا علیهم مطراً، فانظر کیف کان عاقبه المجرمین) (۱)

«ولوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟!. آیا شما از روی شهوت به جای زنان به سراغ مردان می روید؟! شما گروه اسراف کار هستید. ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: اینها را از شهر ودیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند، پاک دامنی می طلبند. ما او وخاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش، که از بازماندگان بود، وبارانی برآنها فرستادیم، پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد!»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم نیز مسلمانان را به قتل ولعن لوطی هدایت داده وفرموده است:

(من وجدتموه یعمل عمل قوم لوط، فاقتلوا الفاعل والمفعول به)(۲)

«کسی را می یابید که همچون قوم لوط عمل می کند، فاعل ومفعول هردو را بکشید»

ودرجایی دیگر می فرماید:

(لعن الله من عمل عمل قوم لوط..
لعن الله من عمل عمل قوم لوط..
لعن الله من عمل عمل قوم لوط(۳)

«خداوند لعنت کرد کسی را که عمل قوم لوط را انجام می دهد..» همین عبارت در حدیث سه بار تکرار شده است.

باتوجه به آثار بد وزیان های خطیری که این عمل زشت در وجود فرد واجتماع دارد، دین مقدس اسلام برای مرتکبان آن جزایی شدید مقرر داشته است تابساط آن از محیط انسانی برچیده شود.

آقای سیدسابق –رحمه الله تعالی– ضررها وزیان‌های لواطت را در کتاب مستطاب خود«فقه السنه» به نقل از کتاب«الإسلام والطب» یاد آور شده است که ما در اینجا برگردان آن را بااندکی تصرف تذکر می دهیم:

روی گردانی از زن

یکی از زیان های مشهود وغیر قابل انکار لواط این است که مرد را، از زن خویش بیزار و روگردان می نماید، وگاهی کار به جایی می رسد که انسان از مباشرت بازن ناتوان می گردد وبه همین ترتیب مهم ترین هدف و وظیفۀ ازدواج که همانا ایجاد نسل وتربیت فرزند است متوقف می شود وبه تعطیل می گراید.

اگر بالفرض چنین مردی ازدواج کند، زن او قربانی خسارۀ این عمل ناروا خواهد بود، ورنگ آرامش وراحتی را در خانۀ شوهر نخواهد دید.

تأثیردر اعصاب

این عادت نادرست(لواط) روان انسان ها را به مبارزه می طلبد، و در سیستم اعصاب تأثیری منفی می گذارد، که یکی از اثرات آن را می توان در مصاب شدن لوطی به بیماری های روانی مشاهده کرد. او در این حال از صمیم قلب احساس می کند که مرد نیست وصفات مردی در سرزمین وجودش به عینیت نرسیده است، واز این رو است که به بی بندوباری جنسی رو می کند وبه همجنس خود میل می نماید، و در یک سخن تمام فکر واندیشۀ پاکیزه اش را براعضای تناسلی خود وهمجنس خود متمرکز می سازد.

وگذشته از آن این کار نامشروع نیروهای طبیعی ونفسی عامل خود را تضعیف می کند وزمینه های نفوذ امراض گوناگون مخصوصاً بیماری های عصبی را در وجود او فراهم می آورد.

تأثیر در مغز

عمل لواط علاوه برآنچه گفته آمد سبب اختلال توازن عقل، بی ثباتی اندیشه، رکود تصور وضعف اراده نیز می شود.

این مسأله بیشتر به کاهش افرازات غده های درونی بستگی دارد که در سیستم های مختلف بدن به ویژه در جهاز عصبی اخذ موقع کرده اند واز عمل لواط تأثیر مستقیم می پذیرند وفعالیت آنها بطی می شود و در نتیجه انسان لواطت کار، زیرکی، تیزهوشی وخردمندی خود را از دست می دهد وبه احمقی جاهل همسان می گردد.

بیماری سویدا (سیاه دانه)

لواط بطور اکثر یا خود به گونه یی مستقیم باعث ظهور بیماری سویدا (سیاه دانه) می گردد، ویا به شکل عاملی نیرومند برای بروز این بیماری زمینه سازی می کند.

پژوهش ها نشان داده است چون این عمل غیر انسانی براعصاب بدن آدمی تأثیر منفی دارد، لذا در ایجاد وزیادت این بیماری وپیچیدگی عارضه های آن نیز به شدت کمک خواهد کرد.

عدم اشباع غریزه

لواط طریقۀ ناکافی ونادرستی است که به هیچ وجه عاطفۀ جنسی انسان را اشباع نمی کند، چه این روش نامشروع از اصل ملامست طبیعی که طی آن غریزۀ جنسی به شکل درست اشباع می شود، به دور است، وتوانایی ارضای تمام رشته های عصبی غریزی را ندارد وجهاز تناسلی آدم را قطعاً زیان مند می سازد وبر روی هم تمام اجزای بدن از آن متأثر می گردد.

وهرگاه که به فزیولوژی جماع، و وظیفۀ طبیعیی که اعضای تناسلی در وقت مباشرت وهمبستری ایفا می کند بنگریم، وپس از آن میان این، وآنچه در زمان لواطت اتفاق می افتد مقارنه ومقایسه کنیم، به فرقی بسیار بزرگ وملموس برخواهیم خورد، چه رسد به این که موضع لواط از نگاه خلقت وطبیعت نیز صلاحیت چنین کاری را دارا نیست وانسان بدسرشتی که به این ناروا دست می یازد، در واقع گامی بر مسیر خلاف آفرینش الهی وفطرت بشری نهاده وخودش را به پرتگاه سقوط نزدیک کرده است.

سستی وازهم گسیختگی عضلات

راستی اگر از رهگذری دیگر به عمل زشت لواط نظر بیفگنیم در خواهیم یافت که این کار سبب سستی وحتی از میان رفتن کامل برخی از عضلات، مخصوصاً عضلات جهاز تناسلی می گردد وانسان توانایی حفظ مواد منوی وپرازیت جنسی را در اثر ارتکاب این جریمه از دست می دهد، به همین دلیل است که افراد فاسق وبدکار همواره به بیماری های جنسی گرفتار اند ومواد مفید منوی شان بدون اراده خارج می شود.

رابطۀ لواط بااخلاق

عمل ناروای لواط، در حقیقت، یک آلودگی اخلاقی وبیماری خطرناک روانی است، وبه همین علت است، تمام افرادی که به این پلیدی گرفتار می باشند، بداخلاق وبدسرشتند وفضیلت را از رذیلت نمی توانند تمییز نمایند. از اراده یی ضعیف برخوردارند، وجدانی انتباه پذیر وضمیری سرزنش کننده ندارند، و فسادشان به حدی می رسد که از عمل زشت بااعمال زور واکراه حتی باکودکان خورد سن نیز دریغ نمی ورزند وبرای اشباع غریزۀ حیوانی خویش از ارتکاب هیچ جریمه یی روی برنمی تابند.

لواط ورابطۀ آن باصحت

عمل ناپسند لواط افزون برآنچه دربالا تذکر یافت، مرتکبان خود را به بیماری نفس تنگی وعارضه های قلبی مبتلا می کنند. وآنان را از نگاه نیروی جسمی چنان ناتوان می گردانند که در برابر جزئی ترین میکروب، تاب مقاومت نمی داشته باشند وطعمۀ هر علت وبیماری می شوند.

تأثیر براعضای تناسلی

همچنان لواط مراکز اصلی انزال در جسم را ضعیف می سازد وتحرک منوی را از جهاز تناسلی از بین می برد، و در ترکیب مواد منوی نیز تأثیر سلبی وارد می آورد، وباگذشت زمان قدرت نسل آوری نابود می شود، وسرانجام نسل کسانی که به این کار معتاد شده باشند محکوم به انقراض وزوال خواهد شد.

بیماری های زنا

ناگفته نماند که تمام بیماری هایی که از اثر زنا به وجود می آید، از اثر لواط نیز به وجود می آید وگسترش پیدا می کند وصاحبان خود را به صوب نابودی سوق می دهد.(۴)

آنچه گفته آمد همه وهمه بیانگر حکمت شریعت اسلامی در تحریم لواط بود، اینک خواهیم دید که این دین مقدس باوضع جزاهای سنگین چگونه راه های رهایی از شر این بدطینتا را جستجو کرده است.

حکم لواط

- امام شافعی می گوید: لواط ایجاب حد را می کند، زیرا از یک طرف خداوند متعال جزای فاعل آن را در قرآن سنگین توصیف کرده است واز جانب دیگر معنای زنا را نیز در بر دارد، لذا در این جریمه حدزنا تطبیق می گردد؛ یعنی برمحصن رجم وبرغیر آن صد دره زده می شود.
- امام ابوحنیفه می گوید: لوطی تنها باید تعزیراً مجازات شود، چون در عمل لواط اختلاط نسب متصور نیست وغالباً منازعات ناشی از لواط منتهی به قتل لوطی نمی گردد، از این رو این عمل زنا محسوب نیست ونباید حد زنا برآن مقایسه شود.
- امام مالک واحمد بدین باورند که: حدلواط در هرحال رجم(سنگسار) است فرقی نمی کند که لوطی محصن باشد ویا غیر محصن؛ چنان که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید:

(من وجدتموه یعمل عمل قوم لوط، فاقتلوا الفاعل والمفعول به) وبه لفظ دیگر: (فارجموا الأعلی والأسفل)(۶)

«کسی را می یابید که عمل قوم لوط را انجام می دهد، پس او را بکشید» ودر لفظ دیگر آمده است«بالا وپایین یعنی فاعل ومفعول را سنگسار نمایید».

همجنس بازی

همجنس بازی ومیل ورزیدن مرد وزن به همگونۀ خود، به اتفاق تمام علمای امت اسلامی حرام است وعاملان این عمل ناروا در دنیا وآخرت مستوجب مجازات پنداشته می شوند.

احمد، مسلم، ابوداوود وترمذی روایت می کنند که رسول خدا فرمود:

(لاینظر الرجل إلی عوره الرجل، ولاالمرأه إلی عوره المرأه، ولایفضی الرجل إلی الرجل فی ثوب واحد، ولاتفضی المرأه إلی المرأه فی الثوب الواحد)

«مرد به عورت مردی دیگر، وزن به عورت زنی دیگر نظر نکند، ومرد بامردی دیگر وزن بازنی دیگر در یک بستر قرار نگیرند ونخوابند».

همجنس بازی که در روایات دینی از آن به«سحاق» تعبیر شده عبارت است از: مباشرت وبه طور عریان ساعت تیری کردن وعشق بازی کردن بدون آن که دخول عملی صورت بگیرد. کسانی که مرتکب این عمل می شوند به طور تعزیری مجازات کرده می شوند.

رویکردها:

۱– سورۀ اعراف ۸۰–۸۴
۲– رواه ابوداوود وترمذی ونسائی ابن ماجه.
۳– رواه النسائی
۴– فقه السنه جلد دوم ص۴۱۸–۴۲۰
۵– الفقه الإسلامی وأدلته جلد هفتم ص۵۳۹۳
۶– رواه الترمذی والنسائی وابن ماجه

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارکان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارهٔ دوم چهارشنبه ۱۲ حمل ۱۳۸۳ ۱۰ صفرالمظفر ۱۴۲۵ - 31 March 2004

تدویر کنفرانس بازسازی افغانستان در برلین

در آستانهٔ برگذاری کنفرانس برلین، کنفرانس مقدماتی متمرکز برامور تجارتی وضرورت سرمایه گذاری در افغانستان در آنجا گشایش یافت.

در این کنفرانس از بیست کشور حدود دوصد نماینده اشتراک ورزیدند.

این کنفرانس که باسخنرانی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان شروع به کار کرد، در واقع یک طرح کاری در عرصهٔ اقتصادی را برای کنفرانس اصلی تدارک کرد.

آقای کرزی در سخنرانی خود برضرورت سرمایه گذاری در افغانستان تأکید کرد واز تجار داخلی وخارجی دعوت به عمل آورد تادر افغانستان سرمایه گذاری نمایند.

قرار گزارش خبری رادیو آزادی که شام سه شنبه نشرشد، آقای کرزی در خطاب به منابع سرمایه گذاری ها در افغانستان گفت:

در گذشته ها سفر از کابل تاقندهار چند روز را در برمی گرفت وحالا طی چهار ساعت شما می توانید از کابل تاقندهار بروید.

او اضافه کرد: در تمام عرصه ها امکانات سرمایه گذاری وجود دارد، بیایید در افغانستان پول های خود را به کار اندازید وسرمایهٔ هنگفت فراهم کنید.

وزیرتجارت افغانستان نیز در این کنفرانس سخنرانی کرد واز شفاف بودن سیاست اقتصادی دولت وسهولت در امر سرمایه گذاری یاد آوری نمود وگفت: در افغانستان سیاست اقتصادی ما روشن است وتمام امکانات در دسترس شما می باشد.

سایر شرکت کنندگان به عرضهٔ خدمات اقتصادی ارج بیشتر گذاشته و تأکید کردند که در افغانستان تنها تأمین امنیت ظاهری کافی نیست برای مردم باید خدمات مهم اقتصادی هم صورت بگیرد.

بارنت روبین:

نړیواله ټولنه باید مالي مرستو ورکولوته غاړه کیږدي

دنیویارك دپوهنتون دنړیوالي همکاري مرکز دیوه رپوټ په ترڅ کي له نړیوالي ټولني څخه دافغانستان په بیا ودانولو کي دنورو مالي مرستو پرغوښتني ټینګار کړي دي.

ددغه مرکز رئیس بارنت روبین داوسنیو مرستو اندازه ناکافي بولي او وائي که دمرستو اوسني اندازه په لږ تفاوت سره په همدي شان دوام ولري نو نړیواله ټولنه به ونه شي کړاي چي ثبات ټینګ کړي ځکه دغه مرستي نه شي کولاي چي دافغانستان اقتصاد په پښو دروي.

روبین وائي: افغانستان دبیا رغاوني لپاره داوو راتلونکیو کلونو په بهیر کي اته ویشت ملیاردو ډالروته ضرورت لري که دغه پیسي برابري نه شي افغانستان به بیا دناکرارۍ او بي ثباتۍ په لور حرکت وکړي.

د روبین په اند دافغانستان دبیا ودانولو په لاړ کي ترټولو لوي خنډ په اقتصاد کي دغیرقانوني او جنائي پیښو ونډه ده.

روبین زیاتوي دافغانستان داقتصاد دري دیرش فیصده دکوکنارو حاصلات جوړي.

خراب امنیت او جنائي اقتصاد دطالبانو بیا قدرت ته درسیدو لپاره پخه نسخه ده او کیداي شي چي افغانستان بیاترهګرو نیسي.

دیوي منظمي او سالمي اداري نشتوالي چي ونه شي کړاي دوسله والو قاچاق وړونکو او ترهګرو مخنیوي وکړي دطالبانو په ګټه تمامیدي شي.

دبرلین دپیسو ورکونکیو په کنفرانس کي به دافغانستان دبیارغاوني په مقصد چي تقریباً داوو کلولپاره اته ویشت ملیاردو ډالرو ته اړتیا لري. دغه تجویز وړاندي کړي چي دمنلو په ترڅ کي به ئي بسپنه ورکونکي هیوادونه افغانانوته داوښي چي نړیواله ټولنه ددوي ننګه او ملاتړ کوي.

بازسازی در کشور چگونه ادامه یابد؟

جمعه گل خان رئیس بازسازی واعمار مجدد ولایت وردگ در



رابطه باچگونگی روند بازسازی در اطراف و ولایات کشور گفت:

بنابر ضرورت های مبرم در قسمت حل مشکلات مردم درسال۱۳۶۵ کارهایی از قبیل تعلیم وتربیه، زراعت ومالداری اقدامات جدی به عمل آمده که طی آن یازده باب مکتب در منطقه فعال شد وقرطاسیه وکتب مورد ضرورت آن نیز تأمین گردید.

و در قسمت پروگرام های عاجل زراعتی ومالداری باید گفت: از مؤسسهٔ F.A.O هالند، ناروی وغیره گاوهای بزرگاوها، شیری وگاوهای نسلی به دست آورده شد ومرغداری، زنبور عسل، نهال مثمر اصلاح شده وهمچنان اعمار مجدد کاریزها وپاک کاری آن صورت گرفت. تخم های اصلاح شدهٔ زراعتی با کودکیماوی مورد ضرورت در منطقه توزیع گردید.

بیل وکلنگ، کراچی وآسیاب آرد، تراکتورها وترشل ها وغیره ضرورت های منطقه به وجه احسن و انکشاف یافته کمک گردیده است. ناگفته نماند که در وقفهٔ تقریباً پنج سال کارهای مربوطه بنابر کشمکش های سیاسی وتحولات در افغانستان معطل قرار داده شد که با آمدن ادارهٔ موقت اسلامی افغانستان، تمام ص۳

از نامه های آمده

چه کسی باید به احکام قانون عمل نماید؟

به پاسخ نامهٔ منتشرهٔ شمارهٔ چهارشنبه۲۹دلو هفته نامهٔ مجاهد، ریاست تصدی خانه سازی جوابیه یی ارسال داشته است که به دست نشر سپرده می شود:

به ارتباط نامهٔ نشر شده در شمارهٔ ۲۹ دلو هفته نامهٔ مجاهد در رابطه به پرداخت کرایهٔ اپارتمان ـــ بلاک ۱۶ قصبه مربوط عبدالحی جرأت ذیلاً معلومات وروشنی انداخته می شود:

اول این که بلاک های رهایشی قصبه ملکیت دولت بوده ومربوط فابریکهٔ تصدی خانه سازی می باشد که به کار گران وکارمندان آن تصدی توزیع شده است وتافعلاً ماموران با کرایهٔ استحقاقی بود وباش دارند ویکتعداد افراد محدود که به اثر شناخت وارتباط وظیفه یی تعداد چند اپارتمان را در زمان حکومت های قبل تصرف نموده اند و در بدل پرداخت کرایهٔ امتیازی بود وباش دارند از جمله جنرال عبدالحی جرأت سارنوال قوای مسلح می باشد که با استفاده از قدرت وموقف دولتی خویش احکام مقامات دولتی را به حیله های گوناگون، در حالی که مقامات محترم از تعامل ومقررهٔ تصدی مذکور در جریان نمی باشند، اخذ کرده ومی خواهد از تادیهٔ کرایهٔ اپارتمان خود داری نماید، چون پرداخت کرایهٔ امتیازی مطابق به هدایت واحکام مقام محترم وزارت شهرسازی ومسکن از تاریخ۸۲/۶/۱هـ ش فی اطاق مبلغ پنجصد افغانی تعیین گردیده، متکی به هدایت فوق موضوع را غرض اجرا به مرجع مربوطه غرض تحصیل کرایه اخبار نمودیم. از جمله جنرال عبدالحی جرأت سارنوال قوای مسلح از پرداخت کرایه بهانه جویی نموده حاضر به پرداخت پول کرایه نمی باشد. از این که پرداخت کرایهٔ امتیازی اپارتمان ها بالای تمام باشندگان یکسان بوده موصوف به نسبت عدم پرداخت کرایه سبب اخلال دیگر باشندگان ومانع عواید دولت می شود. به منظور پرداخت وحصول کرایه چندین بار از طریق شبعهٔ حفظ ومراقبت به موصوف تفهیم شده وتاحال کرایه را تپرداخته است. از جانبی هم از طریق وزارت محترم شهر سازی ومسکن نیز به ارتباط پرداخت کرایهٔ شان طی مکتوبی رسماً به سارنوالی قوای مسلح خبر داده شده که پول دولت را از معاش نامبرده وضع نمایند اما تاالحال کدام نتیجه نداده است. تصدی فابریکهٔ خانه سازی ناگزیر شده مطابق به قانون ومقررهٔ تصدی خویش در قدم اول برق شان را قطع نماید. موصوف در این اواخر سرو صدا به راه اندخته وطی مکتوب معاونیت محترم سارنوالی جریان را عنوانی وزارت محترم شهر سازی ومسکن کتباً اخبار نموده که مقام محترم وزارت شهرسازی ومسکن در جواب چنین حکم ارشاد فرمودند:

ملاحظه شد: ریاست محترم خانه سازی برای جنرال صاحب موصوف تفهیم شود که اپارتمان های قصبهٔ خانه سازی فقط مربوط به کارکنان تصدی موصوف بوده، وزارت شهرسازی ومسکن روی الطاف وترحم یکتعداد اپارتمان های مذکور را به کرایهٔ تجارتی به دسترس یکتعداد از رجال بلند رتبهٔ دولتی قرار داده بود، هرگاه جنرال صاحب مذکور حاضر به پرداخت کرایهٔ تجارتی نباشد وحصول کرایه را توطئه تلقی نماید، هرچه عاجل اپارتمان را تخلیه وجای مناسب ومصئون را غرض تأمین امنیت خود جستجو نماید.

فوقاً جریان موضوع به شما اخبار شد، امید است در حصهٔ خویش موضوع را از طریق خویش در جراید انعکاس نموده ممنون سازید.

باالاحترام

انجنیرشفیع الله سالک
رئیس تصدی خانه سازی